

اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان

که از روز یکشنبه چهارم آذر آغاز شد و در شنبه دهم آذر ماه به اوج رسید بیش از پانزده هزار تن از کارکنان ذوب آهن اعم از کارگرو مهندسان، استخدامی و پیمانی شرکت دارند. اعتصاب تا لحظه تنظیم خبر همچنان با استوار ادامه دارد.

اعتصاب به دنبال آغاز اجرای تصمیم مدیریت کارخانه، مبنی بر اخراج قریب به پنج هزار تن از کارکنان این واحد شروع گردید. مدیریت ذوب آهن از مدت ها قبل اعلام داشته بود که هزاران تن از کارکنان و بقیه در صفحه ۶

حرکات اعتراضی کارگران، کارمندان و متخصصان کارخانه ذوب آهن اصفهان، که از مدت ها قبل آغاز شده است در هفته گذشته اوج بی سابقه ای یافته و به يك اعتصاب بزرگ و یکپارچه تبدیل گردید. کارگران رزمندگانه دیگر کارکنان این واحد صنعتی عظیم، دست در دست یکدیگر، پر خروش و توفند ه به مقابله با اجحافات برخاستند که به دستورات مقامات طراز اول رژیم جمهوری اسلامی، توسط مسئولین کارخانه وانجمن های اسلامی علیه آنان اعمال می شد، در این اعتصاب یکپارچه

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۹ آذر ۱۳۶۳ برابر ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۳۶

پیام پلنوم کمیته مرکزی به جهانیان درباره زندانیان سیاسی ایران

در صفحه ۲

پشتیبانی از اعتصاب معدنچیان بریتانیا در ایران

فدائیان خلق در همان حال که یاد لاری به رزم انقلابی خود در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع ادامه می دهند، با استواری بیسوسه وظایف انترناسیونالیستی نیز می پردازند. پشتیبانی بیدریغ از اعتصاب دلیرانه معدنچیان بریتانیا جلوه ای از آن است. فعالین فدائیان در میهن، ضمن اینکه تحولات این اعتصاب را بازتاب می دهند، می کوشند کارگران ایرانی را با تجارب حاصله از آن آشنا کنند. اعلامیه زیر یکی از اعلامیه هایی است که به همین منظور توسط فعالین فدائی در میان کارگران کشور پخش شده است.

بقیه در صفحه ۲

گردهمایی سالانه شورای جهانی صلح در کانادا

نشست سالانه "شورای جهانی صلح" با حضور رزمش چاندرا، رئیس این شورا، و با شرکت ۲۶۷ نماینده از سازمانها و جمعیت های عضو شورا و میهمانان این نشست، از تاریخ ۲۳ تا ۲۶ نوامبر، در شهر تورنتو (کانادا) برگزار گردید.

در این گردهمایی ۵۴ تن از شخصیت های بین المللی جنبش صلح، ۱۶ نفر از نمایندگان فدراسیونهای جوانان، نمایندگان کمیته های صلح دهها کشور جهان، دو نماینده از سازمان ملل متحد، نماینده ای از سوی سازمانها و تعدادی از نمایندگان جمعیتها و بقیه در صفحه ۲

مصاحبه "اکثریت" با رفیق کارل بلویس، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا درباره:

عواقب انتخاب ریگان

در صفحه ۴

سی و نهمین سالگرد تأسیس "فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان"

زنان مبارزی که این فدراسیون را پی ریختند نمایندگان سازمان های زنان از کشورهای مختلف بودند که تجربه مبارزه با فاشیسم را در پشت سر داشتند. همه این سازمانها علیه جنایات فاشیسم جنگیده و رنجهای بسیاری را متحمل شده بودند. پایه گذاران فدراسیون می خواستند بعد از جنگ نیز بقیه در صفحه ۱۰



اول دسامبر (۷ آذر) اسامیل مصادف بود با سالگرد تأسیس فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان. سی و نه سال پیش در چنین روزی مجمعی که ۸۸۰ نماینده از زنان ۴۰ کشور مختلف را در خود گرد آورده بود، سازمانی را پایه گذاری کرد که برای نخستین بار در طول تاریخ هدف یکپارچه کردن صفوف همه زنان را برای مبارزه در راه صلح، دموکراسی، استقلال مللی، احقاق حقوق زنان و حمایت از کودکان را در برابر خود نهاده بود.

این فدراسیون در سالی تشکیل گردید که آتش جنگ جهانی دوم خاموش گشته بود.

گزارشی از:

تظاهرات مردم تهران در دوم آذر

همانگونه که در شماره گذشته خبر داده بودیم، در جمعه دوم آذر ماه تهران شاهد تظاهرات مردم خشمگینی بود که بسا بهره گیری از تجمع ورزشی میدان امجدیه خیابانها را با غریب فریادهای خود به لرزه در آوردند. آن دیوار مسلحی که رژیم در پیرامون ورزشگاه امجدیه به پا کرده بود، نتوانست مردم را از رفتن بازدارد.

خیابان های تهران هوای ایام انقلابی را به خود باز یافته بود و عطر و بوی شعارها عهد انقلاب، فضا را عطر آگین کرده بود. "توب، تانک، مسلسل - دیگر اثر ندارد. مردم با پتک شعارهای کوبنده، سپرهای بهم فشرده گارد ضربت شهربانی را از هم دریده و به پیش تاختند. رژیم این بار صلاح دیده بود علاوه بر ارگانهای "مکتبی" وسیعاً از نفرات شهربانی برای مقابله با مردم استفاده کند.

مردم برای درهم شکستن صفوف نفرات پلیس، هر آنچه را که به دستشان می رسید، از سنگ واز آجر، به کار می گرفتند. دستجات سرکوبگر نیز مقابل با آنچه که داشتند و می توانستند، به مردم می تاختند. در برابر مردم نه فقط واحد های پلیس که همه ارتجاع قرار داشتند. حتی رئیس فدراسیون فوتسال نیز، همراه با دیگر سردمداران سازمان ترتیب بدنی، در پناه سپرهای مأموران به مردم سنگ پرتاب می کرد. در مسیر مردم تأسیسات دولتی از ضرب خشم مردم در امان نماند و درهم شکسته می شد. بقیه در صفحه ۳

فیض احمد فیض

بزرگترین شاعر اردو زبان معاصر، درگذشت در صفحه ۹

تظاهرات صلح در اسپانیا

در صفحه ۳

متحد شویم! علیه کشتار و اختناق در ایران بپا خیزیم!

پیام پلنوم کمیته مرکزی به جهانیان درباره زندانیان سیاسی ایران

مردم آزاده جهان!

میهن ما ایران روزگار سخت و دشواری را میگذراند. حکومت جمهوری اسلامی، همه آزادیهای سیاسی و حقوق مردمی را پامال کرده و رژیم ترور و خفقان را به کشور ما تحمیل کرده است. مبارزات مردم میهن ما در راه صلح و آزادی و تأمین حقوق خویش با سرکوب خونین و فراینده روبروست.

سازمانهای تریخخواه ایران، کدو راه آزادی و بهروزی مردمان را پیکار میکنند، اما ج پیگرد و سرکوب فاشیستی هستند. رژیم جمهوری اسلامی، با زیر پا گذاشتن همه حقوق اجتماعی و بشری مردم، مخالفین تریخخواه خویش را پیشاپیش به مرگ محکوم کرده است.

دهها هزار تن از شریفترین فرزندان میهن ما، به اتهام وفاداری به میهن و مسردم خویش، به اتهام دفاع از حقوق انسانی و بشری و مبارزه در راه آرمانهای والای مردم، در زندانها و شکنجهگاهها بسر میبرند.

زندانیان سیاسی ایران از هرگونه حقوقی بی بهره اند و هیچ قانونی در حمایت از آنها پذیرفته نمیشود. زندانیان سیاسی ایران حتی آن دسته از زندانیان که مدتها پیش محاکمه و به زندان محکوم گشته اند، همواره آماج خطر مرگ قرار دارند. هر آینه ممکن

است حتی در نتیجه انتقامجویی ما موریسن زندان در برابر جوخه اعدام قرار گیرند. زندانیان سیاسی در بیدادگاههایسی محاکمه میشوند که در آنها هیچ قانون و ضابطه ای جز اذن حاکم شرع یعنی همان افراد قسی القلب و بی فرهنگ و کین توزی که از سوی رژیم به سمت قاضی منسوب میشوند وجود ندارد. محاکمات مخفی است. متهمین حق گرفتن وکیل و امکان و فرصت دفاع از خود را ندارند.

در زندانها و شکنجهگاهها، زندانیان را با وسایل و شیوه های قرون وسطائیس، شکنجه جسمی و روانی میکنند. زندانیان را تا حد مرگ تازیانه میزنند. آنها را از دست واز پا به سقف شکنجهگاهها آویزان میکنند، استخوانهای آنان را میشکنند، روزهای متوالی به آنها بی خوابی میدهند، وسایل مدرن شکنجه روی آنها آزمایش میشود.

زندانیان را به تماشای اعدام همس زنجیران خود میبرند و از آنان میخواهند که حکم را اجرا کنند.

عمال رژیم در زندانها میدوشند زندانیان را با شکنجه و ارباب به تسلیم وادارند و آنان را به اقرار به گناهی وادارند که هرگز مرتکب نشده اند. رژیم تلاش دارد زندانیان سیاسی را به مصاحبه های تلویزیونی وادار سازد و

شخصیت و حیثیت و سوابق و خدمات آنان به مردم و میهن را بی اعتبار و لکه دار سازد.

مردم آزاده جهان!

اعتراض و مبارزه شما علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی، در حمایت و تقویت مبارزه مردم میهن ما و افشاء سیمای مستبدین حاکم بر ایران بسیار موثر بوده است. مردم میهن ما با سپاسگزاری از این حمایت بین المللی خواستار گسترش هر چه بیشتر اعتراض و مبارزه احزاب، سازمانها و نهادهای مترقی بین المللی علیه رژیم ترور و خفقان و در راه آزادی زندانیان سیاسی ایرانند.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، از شما مردم آزاده جهان از سازمانهای دموکراتیک بین المللی، از کلیه احزاب و سازمانهای مترقی از کمیسیون حقوق بشر، سازمان ملل متحد، سازمان عفو بین المللی دعوت میکند همچنان حمایت خود را از مبارزات مردم میهن ما در راه تأمین آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک و آزادی زندانیان سیاسی گسترش دهند.

گسترده باد همبستگی بین المللی با مبارزات مردم ایران در راه تأمین آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک و آزادی زندانیان سیاسی ایران!

نمی کنند. متن پیام چنین است:

پیام عده ای از کارگران تهران

به رفقای کارگر اعتصابی معادن انگلیس

ما کارگران تهران نسبت به بستن معادن و بیکاری عده زیادی از کارگران اعتراض نموده و همبستگی خود را با کارگران اعتصابی اعلام می نماییم.

رفقا!

کارگران ایران در شرایط اختناق و ترور در شرایط سرکوب جنبش کارگری ایران و پیگرد و شکنجه و اعدام رهبران سندیکایی ایران از طرف رژیم جمهوری اسلامی، از مبارزات همزمان خود در انگلیس

حمایت می کنند. دولت انگلیس برای تأمین منافع سرمایه داران و با بستن معادن، برخیل بیکاران می افزاید و باعث فقر و خانه خرابی کارگران می گردد. ما کارگران تهران با افتخار با مبارزات شما که در برابر تحکم دولت سرمایه داران ایستاده اید، اعلام همبستگی می نماییم و اعتراض خود را نسبت به اقدامات ضد کارگری دولت محافظه کار اعلام می داریم.

عده ای از کارگران تهران

پشتیبانی از اعتصاب معدنچیان بریتانیا در ایران

چه در حرف از مبارزه با امپریالیسم انگلیسس و "استکبار جهانی" سخن می گویند ولسی

بدانید که در عمل راه سرمایه داران بزرگ و غارتگران زالوصفت و طریق حمایت از جور و ستم آنان را برگزیده اند. همچون کارگران اعتصابی انگلیس به نبرد پی گیر علیه سرمایه داران و حکام حامی آنان برخیزید و همچون نمونه اعتصاب متحدانه و ظفر نمون آنها، با ایجاد سازمانهای صنفی مستقل شورا، سندیکاها و اتحادیه های کارگری خود، دژهای استوارتان را در این رزم برپا سازید. آبان ماه ۶۳

★ ★ ★

در حمایت از معدنچیان دلیر بریتانیا، پیامی به دست ما رسیده است که "عده ای از کارگران تهران" صادر کرده اند. این پیام که مخفیانه در تهران توزیع شده است، بیانگر حمایت شورا نگیز کارگران ایرانی، از رزم دلورانه کارگران بریتانیاست و نشان می دهد که کارگران ایرانی، در حالیکه خود از شدیدترین اشکال ستم و سرکوب و استثمار رنج می برند، پشتیبانی از رفقای بریتانیایی خود را فراموش

بقیه از صفحه اول

از اعتصاب قهرمانانه کارگران انگلیس حمایت کنیم! سازمانهای صنفی مستقل کارگران ایران را برپا داریم!

کارگران مبارز!

اعتصاب قهرمانانه کارگران معادن زغال سنگ انگلیس وارد نهمین ماه خود می شود. سرکوب و وحشیانه حکومت سرمایه داران نیس نتوانسته است به این مبارزه حق طلبانه پایان دهد. علت آن چیست؟ تشکل استوار کارگران اعتصابی، وجود اتحادیه های کارگری نیرومند، همبستگی رزمجویانه سایر بخش های طبقه کارگر انگلیس و همه زحمتکشان جهان. چنین است رزم پایداری و استواری جنبش اعتصابی کارگران قهرمان انگلیس.

کارگران و زحمتکشان!

سازمانهای صنفی شما سنگرهای مستحکم و دژ تسخیر ناشدنی شماست. نبرد پی گیرانه کارگران معادن زغال سنگ انگلیس به خاطر حقوق حقه خود و علیه ظلم و بیدادگری سرمایه داران و حکومت حامی آنان، بار دیگر نشان می دهد که "کارگر متحد همه چیز کارگر متفرق هیچ چیز" کارگران مبارز ایران!

زما داران مرتجع جمهوری اسلامی نیز اگر



تظاهرات صلح در اسپانیا

روز دوم دسامبر در شهرهای مختلف اسپانیا به دعوت سازمانها و کمیته های صلح در این کشور تظاهرات عظیمی برپا شد. خواسته اصلی تظاهراتکنندگان خروج اسپانیازنا بود. این تظاهرات مورد پشتیبانی کلیه احزاب و سازمانهای ترقیخواه، سندیکا های کارگری و دیگر نیرو های صلح دوست اسپانیا قرار گرفت.

در یاد رید که بر طبق آمار سازمانهای برگزار کننده نزدیک به نیم میلیون نفر در این تظاهرات عظیم شرکت جست بودند، تظاهرات شکو و جلوه خاصی داشت. در این شهرزنجیرهای به هم فشرده انسانی شعارهایی را با مضمون خروج از ناتو، برچیدن پایتگاهها و اعلام بی طرفی در خیا بانهای بزرگ بر روی زمین ترسیم نمودند.

هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) در اسپانیا نیز فعالانه در این تظاهرات شرکت جستند. آنها پلاکاردهایی را با خود حمل می کردند که

بر آنها شعارهایی در رابطه با جنگ ایران و عراق، نقش بسته بود. بر یکی از پلاکارد ها عکس آن در روزنامه ال پائیس چاپ شده نوشته شده بود: " صلح هم اکنون! نیم میلیون کشته سیصد هزار معلول، سه میلیون آواره: این

است نتیجه جنگ ایران و عراق " بسیاری از شرکتکنندگان در این تظاهرات به شکلهای مختلف با مردم ایران ابراز همبستگی کرده و نفرت خود را از تداوم جنگ ایران و عراق، اعلام می نمودند.

گردهمایی سالانه "شورای جهانی صلح" در کانادا

بقیه از صفحه اول

نمود. وی با بازگرددن طرحهای توطئه ترانه سازمان جاسوسی سیا، این سازمان را مسئول ترور خانم گاندی اعلام کرد. رامشچاند را در این سخنرانی از شرکتکنندگان در تظاهراتی و همه مردم جهان، خواسته شد اکثر تلاش خود را برای تضعیف صلح جهانی، به کار گیرند.

در پایان همین جلسه پیامی از طرف " انجمن ایرانیان هوادار صلح " در کانادا قرائت شد که در آن آزادی کلیه زندانیان سیاسی از جمله محمود اعتمادزاده (به آذین) رئیس کمیته صلح ایران، خواسته شده بود.

در جلسه پایانی نشست که روز ۲۵ نوامبر تشکیل شد نماینده شورای ملی مقاومت ایران در کانادا، ضمن سخنرانی از نیروهای شرکتکننده در جلسه خواست تا صدای اعتراض خود را علیه رژیم جمهوری اسلامی که تنها مانع صلح با عراق است و بر تداوم جنگ با این کشور صراحتی ورزد، رساتر سازند.

در این گردهمایی رفقای سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) که یکی از سازمانهای شرکتکننده در جلسه شورای جهانی صلح بود به همراه رفقای حزب توده ایران، افشاکگری وسیعی در مورد سرکوب، اختناق و جنگ در ایران به عمل آوردند. میز نشینات حزب و سازمان با استقبال چشمگیر شرکتکنندگان در گردهمایی مواجه شد. ظواری نیز با مضمون آزادی زندانیان سیاسی در ایران و قطع فوری جنگ با عراق تهیه شد که ۱۶۹ نفر از شخصیتهای شرکتکننده در گردهمایی آنرا امضا کردند.

سازمانهای دمکراتیک و مترقی حضور داشتند. گردهمایی با بحث بر روی شیوه های گسترش بیشتر و اتحاد عمل جنبش های صلح و طرفدار خلع سلاح آغاز شد و در طی سه روز سبیل زیر راهبرد بررسی قرارداد: - تلاشهای سازمان ملل متحد برای خلع سلاح جهانی. - رابطه خلع سلاح با استقلال ملی و توسعه اقتصادی و اجتماعی، سیاست عدم مداخله و نیز مبارزه علیه ترافیک پرستی و آپارتاید.

- دهه برابری زنان
- صلح و توسعه
- تبدیل صنایع جنگی به صنایع در خدمت صلح و عواقب اقتصادی افزایش تسلیحات.
در روز دوم نشست، جلسه ای عمومی در دانشگاه تورنتو با شرکت قریب به ۴۰۰ نفر تشکیل گردید. رامشچاند را رئیس شورای جهانی صلح، آکادمیسین پرماکوف معاون شورای جهانی صلح، رئیس آکادمی علوم شوروی سرپرست هیات نمایندگی شوروی و خانم لویز، معاون شورای جهانی صلح، رئیس هیات اجرایی کمیته صلح نیکاراگوت و عضو کمیته مرکزی جنبش آزاد بیخشم ملی ساندرینست، از جمله سخنرانان این جلسه بودند.

آقای رامشچاند را، ضمن سخنرانی مشروح خود درباره سیاستهای توسعه طلبانه امپریالیسم آمریکا در مناطق مختلف جهان، به جنگ ایران و عراق اشاره کرد و ادامه آن را به نفع امپریالیسم آمریکا و حضور آن در منطقه ارزیابی

گزارشی از ...

بقیه از صفحه اول

از همان لحظات آغاز بود که گلوله های گاز اشک آور به میان تظاهراتکنندگان پرتاب شد. اما مردمی که آن انقلاب پرشده را از سرگردانده بودند، به تجربه می دانستند که چگونه باید با گاز اشک آور مقابله کنند. برخورد از همین تجارب، برای جلوگیری از تهاجم واحد های مورتیریزه رژیم، لاستیک های پهنه را در عرض خیابانها به آتش کشیدند. شعله آتش در آن شب سرد آذرماه بر تیرگی شب نقر می بست. ما مورتیریزه که از پیش تخلیفات لازم را دریافت کرده بودند، برای اینکه روبه سوی مردم آتش بکشایند، مکش چندانی نکردند. زوزه نفرت انگیز رگبار گلوله در فضا پیچید. بر تیرگی زمین نیز نقش خون نشست. با وجود این، نیرویی که از آن همه نفرت از ستمکاران سرچشمه می گرفت، مردم را به پیش می راند. گروههای تظاهراتکننده در خیابان بهار، خیابان روزولت، میدان رضائی هسا (۲۵ شهریور)، سعدی شمالی، مخابرات و له خیابان انقلاب و حافظ پراکنده شده بودند. در حملات متقابل مردم به واحد های پراکنده مانده ارگان های سرکوب، خشم انقلابی آنها تبارزی می یافت. چندین اتومبیل پلیس و ارتکوب در هم شکسته شد.

از آن شب، بر دستهای مردم کشتگان چندی بر جای ماند. اما آنچه که در جانشان نشست، این بود که در دستهایشان چه توان بیکرانه است! سیاهی هیچ ظلمتی نیست که یارای پایداری در برابر درخششی را داشته باشد که با طلوع خشم مردم تابان می شود.

مصاحبه "اکثريت" با رفیق کارل بلویس، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا درباره:

عواقب انتخاب ریگان

که کشور دارای جهت گیری محافظه کارانه است، و به سوی راست حرکت می کند، فشار بیشتری نیز برد موکراتها و نیرو های میانه گرا وارد می آید تا آنها نیز به سوی راست گرایش پیدا کنند. این فراگرد اکنون آغاز شده است، و بنا بر این سن ائتلاف رنگین کمان، و مفهوم چنین ائتلافی، بیشتر از پیش مورد نیاز است. باید توجه داشت که ائتلاف رنگین کمان به تنهایی، و حتی در صورت رشد چشمگیر، قادر نخواهد بود تا تمام باجریگان ریگان را مقابله کند و طرحهای ریگان و هوادارانش را متوقف کرده و کشور را در معرض چهار سال آینده از شر ریگان خلاص کند. این کار نیازمند نیروی سیاسی بیشتری است. نیروی سیاسی که در این کشور در طبقه کارگر و رنجور ساکنان یافته اتحادیه های کارگری نهفته است. جنبش اتحادیه های کارگری، در این انتخابات، با اعلام کاندیدایی از سوی خود، یک گام تاریخی به پیش برداشت و با حمایت سیاسی و مبارزه انتخاباتی برای آن کاندیدا، در واقع جنبش اتحادیه های کارگری را به سطح نوینی از مبارزه سیاسی ارتقا داد. البته ممکن است کسانسی در رهبر دکاندیدی که جنبش سازمان یافته اتحادیه های کارگری برگزید بحث داشته باشند، ولی این امری است که اکنون در پشت سر قرار دارد. اتحادیه های کارگری، این توانمندی را در انتخابات محلی و ایالتی نیز در سایر کشور به نمایش گذاشتند. دو عامل اصلی بازدارنده پیشروی جنبش اتحادیه های کارگری در ایمن کشور، نژاد پرستی و ایدئولوژی جنگ سرد است. جنبش اتحادیه های کارگری در ایالات متحده باید مصمم شود که برای دفاع از منافع خود، و برای وحدت طبقه، ضروری است که با تمام قوا در رتبه علیه نژاد پرستی شرکت کند. در غیر این صورت، هیچگاه قادر نخواهد بود اعتماد توده ها را کسب کند. عامل بازدارنده دیگر، نفوذ ایدئولوژی جنگ سرد در میان رده های بالایی "فدراسیون آمریکایی کار - کفد راسیون سازمانهای صنعتی" (AFL-CIO) است. من اعتقاد دارم که این یک عامل منفی در مبارزه انتخاباتی مانده بود. چنین سیاستی، در میان توده های اعضای اتحادیه های کارگری از هیچگونه حمایتی برخوردار نیست. در هیأت اجرایی AFL-CIO هنوز ایدئولوژی لیبرالی جنگ سرد، که به دوران گذشته تعلق دارد، دارای نفوذ است. این بدان معناست که برای مثال، آنها قادر نیستند بازو نالد ریگان در مورد نیکاراگوئه مخالفت کنند، چرا که آنها تمام اصولی را که مبنای صحبت های رونالد ریگان است، می پذیرند. مردم به چنین رهبری احتیاج ندارند. و تا زمانی که جنبش اتحادیه های کارگری به چنین بیماری مبتلاست، هیچگاه قادر به پیشروی نخواهیم بود.

انتخاب ریگان است. البته دلایل دیگری نیز وجود دارد که باید ذکر شود. در هنگام آرایه دلایل مختلف باید توجه داشت که نباید از بهبود اقتصاد صحبت کرد، چرا که اقتصاد اکنون در وضع ناپایداری قرار دارد و بزودی شاهد رکود اقتصادی دیگری خواهیم بود. اینکه بحران بعدی یک سال دیگر وی را در سال دیگر رخ خواهد داد، قابل پیش بینی نیست. ولی وقوع آن قطعی است. اختلاف سطح درآمد ها در این کشور به سرعت افزایش می یابد.

ثروتمندان، غنی تر، و مردم کم درآمد، حقیقتاً فقیرتر می شوند، این روندی است که بنا به شتاب صورت می گیرد. بنا بر این، همگان سیاستهایی که با اصطلاح بهبود اقتصاد راه و راهو جب شدند، اکنون میلیونها تن را به سوی فقر سوق می دهند و آنها را در آن گروهی از مردم فقیر قرار می دهند که برایشان امید و جسد ندارد. این گروه، در برگیرنده بخش عظیمی از سیاهان، اسپانیایی زبان ها و آسیایی های مقیم آمریکا، و سرخپوستان است. این گروه از مردم، با پاسخ خود به ریگان نشان دادند که در باره وضعیت اقتصادی چگونه می اندیشند. "ائتلاف رنگین کمان" سعی داشت برای این گروه از مردم، و از سوی آنان سخن بگوید. آنها پایگاه اجتماعی ائتلاف رنگین کمان را تشکیل می دادند. ائتلاف رنگین کمان، محلی بود برای مبارزه انتخاباتی جسی جکسون برای انتخاب شدن بعنوان نماینده حزب دموکرات برای ریاست جمهوری آمریکا پایگاه اصلی ائتلاف رنگین کمان عدد نامیان سیاهان بود، و لسی این ائتلاف در کل خصلت مترقی ترین جناح حزب دموکرات و یاکل کشور را به خود گرفت. جکسون از سیاستهای مترقی در ایالات متحده و در خارج صحبت کرد، در جریان مبارزه انتخاباتی به رهبری برگزیده نیرو های صلح در این کشور مبدل شد، و به جنبش توده ای دامن زد که احتمالاً صد ها هزار تن از مردم را، که قبلاً هیچگونه فعالیت سیاسی نداشتند، به فعالیتهای سیاسی کشانید. ائتلاف رنگین کمان برکنوانسیون سراسری حزب دموکرات تأثیر چشمگیری داشت و مکانیسمی از پیوند ها و ارتباطات، میان نیرو های مترقی در سراسر ایالات متحده بوجود آورد.

این ائتلاف، در آینده نیز به حیثیات خود در شکل سازمان داده شده و مستقل از حزب دموکرات، ادامه خواهد داد. این امکان وجود دارد که این جنبش تقویت شده و بخشهای دیگری از مردم را نیز در برگیرد، و حقیقتاً جنبشی در برگیرنده نژاد های مختلف باشد. در زمان حاضر، که بیش از گذشته این صحبت مطرح می شود و این اعتقاد وجود دارد

انتخاب مجدد رونالد ریگان به مقام ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، توجه و نگرانی همه مردم صلح دوست و ترقیخواه جهان را به سوی خود جلب کرد. در نتیجه زمین های این انتخاب و پیامدهای آن در شماره ۳۳ "اکثريت" مصاحبه سردبیر روزنامه "دیلی ورلد" را با ارگان حزب کمونیست آلمان در بر کرده بودیم.

در همین زمینه خبرنگار "اکثريت" مصاحبه با رفیق "کارل بلویس" عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا به عمل آورد. رفیق بلویس در رابطه با وضع منطقه خاور نزدیک و میانه نیز صاحب نظر بوده و در این زمینه دارای اطلاعات و تجربیات ارزشمندی است و تاکنون بارها از کشورهای این منطقه دیدن کرده است. از این رو در این مصاحبه، علاوه بر سایر جهات، پیامدهای این انتخاب بر تحولات منطقه خاور نزدیک و میانه نیز مورد بررسی قرار گرفت. ماضن تشکر از رفیق کارل بلویس، این مصاحبه را از نظر شما می گذرانیم.

س: رسانه های گروهی ایالات متحده سعی دارند انتخاب مجدد رونالد ریگان را نشانه ناپید سیاست داخلی کابینه وی، بخصوص "بهبود وضع اقتصادی"، از طرف مردم آمریکا قلمداد کنند. ارزیابی شما از این مساله چیست؟ آیا واقعی توان از "بهبود وضع اقتصادی" صحبت کرد؟ با وجود شکل گیری ائتلاف رنگین کمان، به رهبری جسی جکسون، و شرکت مستقل جنبش اتحادیه های کارگری در انتخابات، چرا ریگان دوباره انتخاب شد؟

ج: من فکری کنم که می توان بطور عام از بهتر شدن وضع اقتصادی صحبت کرد. باید بجا طراورد که رونالد ریگان عداکش را به سوی بدترین بحران اقتصادی پس از سالهای دهه ۱۹۳۰ سوق داد. بعد از آنکه بیکاری به میزان سرسام آوری افزایش یافت، یک دوره فعالیت های مجدد اقتصادی و بازرگانی آغاز شد، و بنا بر این برای میلیونها تن از مردم، وضع در نوا میسر است، در قیاس با آن میزان فعالیت اقتصادی بسیار نازل بهتری نظری رسید. البته این واقعیت داشت که او این کار را با توسل به انواع و اقسام نیرنگها انجام داد، و از جمله بزرگترین نیرنگی که او به کار گرفت این بود که اقتصاد کشور را با افزایش بدهی ملی عملاً فلج ساخت. این بی سابقه بود. ایالات متحده به زودی به یک کشور مقرض بدل خواهد شد. اما در واقع، بسیاری از مردم باورند که وضع زندگی شان نسبت به دو سال پیش بهتر شده است. تعداد بیشتری از مردم اکنون شاغل هستند، و از این زاویه آن بیم و وحشت اقتصادی که تنهایی دو سال پیش وجود داشت، اکنون دیگر وجود ندارد. این احتمالاً مهمترین دلیل

● س: رفیق آنجلا دیویس، کاندیدای معارفت ریاست جمهوری از طرف حزب کمونیست ایالات متحده در ماه ژوئن امسال، طی مصاحبه ای با بولتن اطلاعاتی مجله صلح و سوسیالیسم گفت: "شکست ریگان در انتخابات، مسأله بقای جهان است"، در این رابطه عواقب انتخاب مجدد ریگان را در زمینه سیاست خارجی چگونه می بینید؟

ج: من فکرمی کنم که ماهم اکنون شاهد عواقب انتخاب ریگان هستیم. یکی از رهبران جنبش اعتراضی سیاهان در آفریقای جنوبی گفت که زمانی را که رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی بر سرکوب جنبش توده ای این کشور برگزید، همزمان با انتخاب ریگان بود. این اتفاقی نیست. همچنین، این واقعیت که اوضاع در آمریکای مرکزی به فاصله چند ساعت بعد از انتخاب دوباره ریگان بحرانی شد نیز بهیچ وجه اتفاقی نیست. تا زمانی که دولت آمریکا، خط مشی ای را که تا کنون دنبال کرده ادامه دهد، می توانیم انتظار بحرانهای بین المللی بیشتری را داشته باشیم. این دولت، در سراسر جهان سیاست جنگ طلبانه ای را دنبال میکند، زیرا که بر این اعتقاد است که میتواند مسیر سوسیالیسم و انقلاب سوسیالیستی و انقلابهای رهایی بخش را در سراسر جهان به عقب بازگرداند. این خطر اصلی است. خطر دیگر از این واقعیت ناشی می شود که دولت ریگان، متحد و حامی تمام نیروهای ارتجاعی در سراسر جهان است، و بنابراین، می توان انتظار داشت که این دولت در آمریکا، مرکزی، خاور میانه، اقیانوس هند، و آسیا به بحرانهایی دامن بزند که دنیا را به آستانه جنگ نزدیک خواهد ساخت. علاوه بر این، باید به نظامی گرایسی کستاخانه دولت ریگان اشاره کرد. بودجه نظامی در سال آینده به میزان قابل توجهی افزایش خواهد یافت. ریگان قصد دارد که طرح جنگهای فضایی را دنبال کند. او حقیقتاً در صدد است که جنگ را از راه و رای جو به راه بیاورد. اکنون به نظرمی رسد که دولت ریگان آمادگی

دارد که موافقت نامه سالیک را کاملاً زیر پا بگذارد و این خود، سطح بسیار خطرناکی از تسلیحات را در جهان موجب خواهد شد. در نتیجه، به مسابقه تسلیحاتی جدیدی، که نه تنها بسیار برهنه، بلکه بسیار خطرناک نیز خواهد بود، دامن خواهد زد.

● اکنون برای مردم جهان بیش از پیش مسلم می شود که سیاستهای دولت ریگان، برخلاف مصالح صلح است. هیچگاه پیش از این تا این حد آشکار نبوده که سیاستهایی که این دولت دنبال می کند، ریشه در شوروی ستیزی دارد، و هیچگاه پیش از این، تا این حد آشکار نبوده است که سیاستهایی که از سوی کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی تعقیب و اعمال می شود، کاملاً در نقطه مقابل سیاستهای دولت آمریکا قرار دارد.

براستی این مایه امید است که مردم در

سراسر جهان شاهد این هستند که اتحاد شوروی پیشنهادهایی را مطرح می کند که قابل پذیرش بوده و در صورت تحقق، موجب کنترل تسلیحات و جلوگیری از یک مسابقه تسلیحاتی خواهد شد، و تمام این پیشنهادها نیز از سوی دولت آمریکا رد شده است.

● س: با در نظر گرفتن قدرت گیری نیروهای هوادار فاشیسم در حزب جمهوری خواه، تحولات سیاست داخلی کابینه ریگان در چهار سال آینده را چگونه می بینید؟ موقعیت جبهه ضد ریگان را در طول این مدت چگونه ارزیابی می کنید و نقش حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا در این جبهه چیست؟

ج: من در حالی که اعتقاد ندارم که انتخاب مجدد ریگان نشانه دهنده چرخش تند کشور به سوی راست است، باید بگویم که ایسین امر به دست راستی های افراطی و نیروهای هوادار فاشیسم در این کشور توان سازهای بخشیده است. آنها اکنون به اهرمهای قدرت و ارگانهای دولتی در این کشور دسترسی دارند که در گذشته چنین نبود. این وضع، شرایط دشواری را پدید می آورد، چرا که حزب جمهوری خواه، به منظور کسب قدرت، با دست راستی های افراطی، با نژاد پرستان، و با نیروهای هوادار فاشیسم، قرار و مدارهای سیاسی بسته و از جمله بخشی از این توافق ها بر سر آن است که دولت پذیرفته است که انواع و اقسام محدودیت های اجتماعی را در زمینه زندگی خانوادگی و مذهبی برقرار سازد. این فرآیند طبیعتاً با دافعت و پشتیبانی از ارتجاع و نژاد پرستی نیز همراه خواهد بود. خطر دیگر، از آنجاست که می شود که دولت ریگان و این جماعت، ارزش ناچیزی برای حقوق دمکراتیک قائلند و در حال حاضر نیز قوانینی را تهیه کرده اند که در صورت تصویب، حقوق دموکراتیک مردم ایالات متحده به شدت محدود خواهد ساخت. این اقدامات، به موازات رشد گرایشهای ملی گرایانه ای افراطی،

سخنان تبعیض گرایانه علیه مهاجرین، حمله به اقلیت ها، و تلاش هایی برای تحدید حقوق دموکراتیک مردم به پیش می رود. توجه کنید که من معتقد نیستم که این روند، لزوماً موفقیت آمیز خواهد بود. دولت ریگان کنترل کنگره را در دست ندارد. ولی این دولت در زمینه تحدید حقوق دموکراتیک از کاتال قدرت اجرایی، بسیار ماهرانه عمل می کند. این اقدامات از طریق اداره پست، اداره گذرنامه و اداره مهاجرت به پیش برده می شود. ما در آینده نیز پیش از پیش شاهد چنین سیاستی خواهیم بود. البته ایسین خطر نیز وجود دارد که دست راستی های افراطی قادر شوند در انتخاب قضا که در آمریکا از سوی رئیس جمهور به دیوان عالی و دادگاههای فدرال منصوب می شوند، اعمال نفوذ کنند. اکنون مسلم شده است که انتخاب قضا، به صلاح دید و توافق نیروهای دست راستی افراطی صورت خواهد گرفت.

نقش حزب ما در عرض چهار سال آینده ایسین خواهد بود که برای اتحاد همه نیروهای که در جبهه ضد ریگان قرار دارند، تلاش نماید و در جهت ایجاد چنان اتحادی بکوشد که تنها به صورت همگامی صرف نباشد، و اساساً بتواند شکل سازمان یافته و فعال بیابد. این امر با تشریح مساعی همه نیروهایی که در جنبش ضد ریگان شرکت دارند عملی خواهد شد. دو عنصر کلیدی اصلی در احیا و رشد جبهه ضد ریگان در عرض چهار سال آینده عبارتند از: جنبش اتحادیه های کارگری، و نیروهایی که در ائتلاف رنگین کمان گرد آمده اند. این مطلقاً ضروری است که زمینه های توافق میان این نیروها یافته و ترغیب شود و علاوه بر آن، این جبهه باید وسیع و گسترده باشد. تحقق این امر، و وظیفه نیروهای آگاه درون جبهه است. بنا بر این اساس حزب ما در حالی که سیاستهای خود را دنبال می کند و توده ها را در راه سوسیالیسم آموزش می دهد و نقش پیشاهنگ را در مبارزه طبقه کارگر ایالات متحده ایفا می نماید، باید نقش خود را به عنوان یک نیروی کلیدی و ضروری در شکل گیری جبهه ضد ریگان برعهده گیرد.

● س: عواقب انتخاب مجدد ریگان در زمینه سیاست ایالات متحده در خاور میانه و منطقه خلیج فارس چیست؟

ج: من مایل نیستم از صحبت های این برداشت شود که انتخاب و الترمادیل، به اتخاذ سیاست صلح و ستانه ترو سازنده تری در آن بخش از جهان منجر می شود. این ضرورتاً درست نخواهد بود. در حال حاضر، در این کشور نوعی توافق سیاسی میان د حزب، حزب دموکرات و حزب جمهوری خواه، بر سر سیاستی که باید در مورد خاور میانه و منطقه خلیج اتخاذ شود وجود دارد. این سیاست ریشه در شوروی ستیزی و صهیونیسم دارد و کاملاً در تقابل با جنبش های مردمی برای رهایی و استقلال در بقیه در صفحه ۱۰



اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان

بقیه از صفحه اول

متخصصان این واحد، "مازاد بر نیاز" بوده و باید اخراج شوند. ولی بر اثر اعتراضات بی دری کارکنان، اجرای این طرح به تعویق افتاده بود. اما اخیراً کمی پیش از آغاز اعتصاب، پس از زمینه چینی های چند ماهه آغاز اجرای این تصمیم ضد کارگری و غیرقانونی اعلام گردید.

اولین دسته از کارگرانی که مشمول این تصمیم می شدند، کارگران قسمت خانه سازی پولاد شهر، واحد کک سازی ذوب آهن و بخش انبارهای کک بودند. کارگسران نمی توانستند به این تصمیم خود سرانسه تمکین کنند. از این رود ست از کار کشیده و در محوطه کارخانه اجتماع کردند. مدیران که بر اساس طرحی از پیش تنظیم شده عمل می کردند، به هیچ روح حاضر به نرمش نبودند و با خشونت و سرسختی با اعتراضات کارگران برخورد کردند. کارگران نیز با دلاوری بر روی ادامه اعتصاب پای فشردند. در واکنش به برخورد های هانت آمیز مدیران، کارگران تعدادی از آنها را با برخی از سرپرست هایی که با مدیریت همکاری داشتند، دستگیر و در یکی از اتاق های کارخانه زندانی نمودند.

نخستین واکنش های رژیم

از همان بدو اعتصاب، پاسداران مستقر در کارخانه ذوب آهن، با نیروهای انتظامی و پاسدارهای اعزامی از اصفهان تقویت شدند. اما کثرت تعداد اعتصاب کنندگان، قاطعیت آنان و حساسیت

تاسیسات کارخانه، پاسداران را وادار ساخت تا در دست زدن به یک تهاجم خونین تامل کنند. سپاه و اعضاء انجمن های اسلامی، در این مرحله قبل از هر چیز در صدد شناسایی فعالین اعتصاب بودند. مدیرانی که توسط کارگران زندانی شده بودند، در همین راستا فعالیت داشتند.

تهدیدات سپاه پولاد شهر نه فقط کارگران را از ادامه اعتصاب بازداشت، بلکه حتی منجر به رهائی گروگان ها نیز نشد. سپاه تصمیم گرفت با یک حمله ضربتی آنها را آزاد ساخته و از حلقه محاصره کارگران بیرون بکشد. کارگران برای مقابله با سپاه، اقدام به جو شکاری درهای اطالی کسبه مدیران در آنجا بازداشت شده بودند، نمودند. با وجود این چندی بعد سپاه موفق گردید طی یک عملیات سریع، درب اتاقها را شکسته و گروگان ها را از محاصره بیرون بکشد.

نیروهای انتظامی در پی این اقدام عده ای از فعالین اعتصاب را دستگیر و روانه زندان کردند. هشت تن از دستگیرشدگان از مهندسان کارخانه بودند. همزمان

با آن حکم اخراج عده ای دیگر از کسانی که در اعتصاب شرکت فعال داشتند، صادر گردید. ارگان های سرکوب با این عملیات و همچنین استقرار نیروهای انتظامی از همه ارگان های سرکوب در داخل و بیرون کارخانه، سعی داشتند بر اراده استوار اعتصاب کنندگان فائق آیند. اما اعتصاب همچنان ادامه یافت.

رژیم برای زمینه چینی سرکوب و نیز معروب ساختن کارگران به نحو گسترده ای از ارگان های تبلیغی خود بهره جست. علیرغم توطئه سکوت رسانه های همگانی سراسری رژیم، تلویزیون اصفهان طی برنامه های متعددی به تهدید کارگران و افترا زنی نسبت به آنان پرداخت. علاوه بر تلویزیون، از منابر مساجد نیز وسیعاً در همین جهت استفاده شد. گردانندگان رژیم از این طریق، مذبح خانه کوشیدند تا مثل همیشه با تکیه بر اعتقادات مذهبی مردم و با انتساب اباطیل و جعلیات به اعتصاب کنندگان، زمینه را برای آغاز تهاجم خونین به کارگران هموار سازند. اما علیرغم این تشبیه مذبح خانه، مردم استان اصفهان با کارگران اعتصابی همراهی نشان می دهند و سیاستهای ضد انقلابی، ضد کارگری و مخرب رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می کنند.

اعتصاب کارگران، سردمداران رژیم را به تکاپو انداخت و آمد و رفت آنها میان تهران و اصفهان هم چنان ادامه دارد. رژیم با تکیه بر سرکوب های قبلی، پیش بینی این اعتصاب یکپارچه و قهرمانانه کارگران را نمی کرد. وظایف را گفگیر شده است. اکنون در جستجوی طریقی برای درهم شکستن اعتصاب به این در و آن در می زند.

سابقه امر در رژیم شاه

مسئله اخراج کارگران ذوب آهن اصفهان در زمانی است که طرح شده است. سابقه آن به پیش از انقلاب بر می گردد. در سالهای پایانی رژیم مغفور شاه نیز می خواستند گروه بسیاری از کارگران پیمانی را اخراج سازند. آن زمان هم بهانه "مازاد بر احتیاج" را عنوان کرده بودند. از آنجاکه در آن هنگام قسمتهایی از کارهای ساختمانی پایان یافته بود، می خواستند کارگران این بخشها را به امان خدا رها سازند. اما کارگران نسبت به آن معترض بوده و بهانه، رژیم را مردود می دانستند. کارگران و کارکنان پیمانی به درستی مطرح می کردند که طرح ذوب آهن، تنها مراحل اولیه توسعه خود را طی می کند و به هیچ رو طرحی پایان یافته نیست. انجام توسعه طبق برنامه طرح، به همه کارکنان موجود احتیاج دارد. اخراج کارکنان پیمانی عملاً به معنای تعلیق طرح توسعه هم خواهد بود.

انقلاب سد راه این طرح ضد کارگری و مخرب رژیم شاه شد. کارگران با حضور رزمجویانه خود در صفوف انقلاب، رژیم شاه را با همه دسایس و طرحهای مفسد همچو یا نشاء به گور سپردند. کارگران ذوب آهن طبعاً انتظار داشتند که دیگر هیچگاه هیچ تصمیمی جز به سود کارگران و زحمتکشانشان و جز در راستای توسعه و گسترش صنایع ذوب آهن اصفهان از سوی مدیران و مقامات گرفته نشود. اما رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز، روش کج و معوجی را در برخورد با این تاسیسات عظیم زیر بنایی کشور در پیش گرفت.

ذوب آهن

چگونه تاسیس شد؟

صنایع ذوب آهن کشور با کمک های بی شائبه اتحاد شوروی در ایران تاسیس شد. پیمانی که مذاکرات دهها ساله دولت ایران با رژیم ها و انحصارات امپریالیستی، برای جلب موافقت آنان برای تاسیس صنایع ذوب آهن در شورمان بی نتیجه ماند، در سال ۴۴ دولت وقت ایران بالاخره پذیرفت. کمک های پیشنهادهی اتحاد شوروی را در این زمینه بپذیرد.

امپریالیست ها هماهنگ با یکدیگر و با سماجیست با تاسیس کارخانه ذوب آهن در ایران مخالفت می کردند، این در حالی بود که این کارخانه، ضرورت مبرم توسعه صنایع کشور بود. بدون آن ممکن نبود هیچ گام مؤثری در جهت صنعتی کردن کشور برداشته شود. انحصارات امپریالیستی نیز درست به همین دلیل با آن مخالفت می کردند.

بر چنین زمینه ای و با توجه به اینکه تاسیس صنایع ذوب آهن در کشور، در آن سالها به یکی از آرزوهای ملی بدل شده بود، دولت ایران به ناگزیر در ۲۳ دی ماه ۱۳۴۴ قرار داد ایجاد کارخانه ذوب آهن در ایران را با اتحاد شوروی امضا کرد.

اتحاد شوروی این صنایع را بدون اینکه حتی یک دلار فشار ارزی بر ایران وارد شود، تاسیس نمود. آنها برای تأمین ارز لازم برای این طرح عظیم، وام دراز مدت در اختیار ایران گذاشتند و قرار شد این وام با صد و رگزار ایران به شوروی باز پرداخت شود، همان گازهایی که از بدو استخراج نفت در ایران، توسط انحصارات نفتی امپریالیستی، در محل استخراج آتش زده می شدند.

قرار داد تاسیس صنایع ذوب آهن در ایران، نمونه برجسته ای از قرارداد های برابر حقوقی است که دولت و موسسات شوروی در معاملات خارجی امضا می کنند و جلوه ای از یاری های بیدریغ و گرانقدر ملت های شوروی به دیگر خلقهاست.

روش جمهوری اسلامی در برابر این قرارداد و صنایع ذوب آهن

پس از انقلاب، دولت جمهوری اسلامی بجای قدردانی از اتحاد شوروی بابت این کمک بی شائبه، سعی در مخدوش ساختن جوانب این یاری گرانقدر نموده با رجوعی ترین محافظ امپریالیستی همزمان شده و نه فقط به تحریف اهداف اتحاد شوروی در کمک به مردم ایران در راه اندازی این تاسیسات پرداخت، بلکه کوشید اساساً ضرورت تاسیس این صنعت مادر را به زیر سؤال بکشاند.

در همان حالی که کمک های تکنیکی و مستشاری اتحاد شوروی برای ادامه تولید و توسعه ذوب آهن ادامه داشت، دولت ایران به طوریک جنبه از اجرای تعهدات خود در زمینه صدور گاز به اتحاد شوروی سر باز زد. این اقدام که در زمان وزارت معین فر در سال ۵۸ انجام گرفت، امپریالیستهارا شادمان و مردم ایران را نگران ساخت، دشمنان مردم در این خرابکاری عمدی در روابط و مناسبات میان ایران و اتحاد شوروی، از جمله خرابکاری در روند تولیدات ذوب آهن صنایع را در نظر گرفته بودند. اما اتحاد شوروی بنا به سنت خود همچنان به تعهدات خود عمل کرد و کوشید طرح توسعه ذوب آهن، طبق برنامه پیش رود. خرابکاریها بعدی نیز اگرچه در پیشرفت طبق برنامه طرح آسیب جدی رسانید، اما نتوانست رشد آن را متوقف سازد.

از جمله خرابکاری های مسئولین رژیم جمهوری اسلامی، اختلال در کار احیا و توسعه بهره برداری از معادن زغال سنگ کشور بود که شرط ضرور توسعه صنایع ذوب آهن است. چنان در این کار خرابکاری کردند که عملاً موفق شدند تولید را در این بخش مختل نمایند. بجای اینکه نیاز ذوب آهن کشور به زغال وارداتی کاهش یافته و به تدریج حذف شود، بناچار ارز هنگفتی برای ورود زغال از خارج تخصیص یافت.

سوء مدیریت و در موارد بسیاری خرابکاری آگاهانه مدیران ضد انقلابی، آسیب های شدیدی به دستگاه های کارخانه وارد ساخت ناسامانسی در برنامه ریزی باعث گردید کوره بلند مکرراً خاموش شود. در این شرایط نه تنها تولید در سطح

پایین نگه داشته می شود، کیفیت تولیدات نیز افت می کند و علاوه بر آن به نحوی قابل توجه از عمر کوره بلند نیز کاسته می شود.

رژیم جمهوری اسلامی رویاروی کارکنان ذوب آهن

مدیران کارخانه، مسئولان وزارت معادن و فلزات و مقامات مملکتی را غم این نبود که بسا این روشهای مخرب، چه بر سر این صنعت مادر می آید. مهمترین هم و غم آنان این بود که در میان قریب به چهل هزار تن از کارکنان این صنایع در کوشه و کنار کشور، هواداران و اعضا سازمانهای سیاسی مترقی و مردمی را جستجو کرده، اخراج نموده و یا روانه زندان کنند. هزاران تن از کارگران و متخصصین این واحد را به همین خاطر از کار برکنار ساخته و یا مجبور به ترک کار کردند. بسیاری از آنان را زندانی و عده ای را نیز تیرباران نمودند. آنها همان کسانی بودند که در اعتصابات سال ۵۷ نقش فعالانه ای ایفا کرده بودند.

حق هرگونه تشکل مستقلی را از کارگران گرفتند. در عوض انجمن های اسلامی را بر محیط کار و کارگران مسلط کردند. انجمن های اسلامی متعدد صنایع و واحدهای چندین گانه ذوب آهن که در تشکیلاتی بنام "اتحادیه انجمن های اسلامی ذوب آهن" سازمان داده شده اند، به ارگان مهم اطلاعاتی و انتظامی بدل گردید. و بالاخره شرایطی بغایت خفقان بار بر سر کارخانه ذوب آهن و تاسیسات وابسته بسایر آن تحمیل شد.

اما کارگران هیچگاه مطالبات خود را از یاد نبردند. حق ایمنی شغلی، حق سختی کار، افزایش دستمزد، عیدی و پاداش، بیمه های درمانی، تأمین مسکن، طبقه بندی مشاغل، حق تشکل، مخالفت با تخصیص بخشی از دستمزد برای جبهه جنگ، عزل مدیران ناصالح، از جمله مطالباتی بود که کارگران با بهره گیری از هر فرصتی طرح و پیگیری می کردند. با رهبری تاسیسات ذوب آهن شاهد حرکات اعتراضی دسته جمعی کارکنان بوده که به اشکال مختلف ابراز می شد.

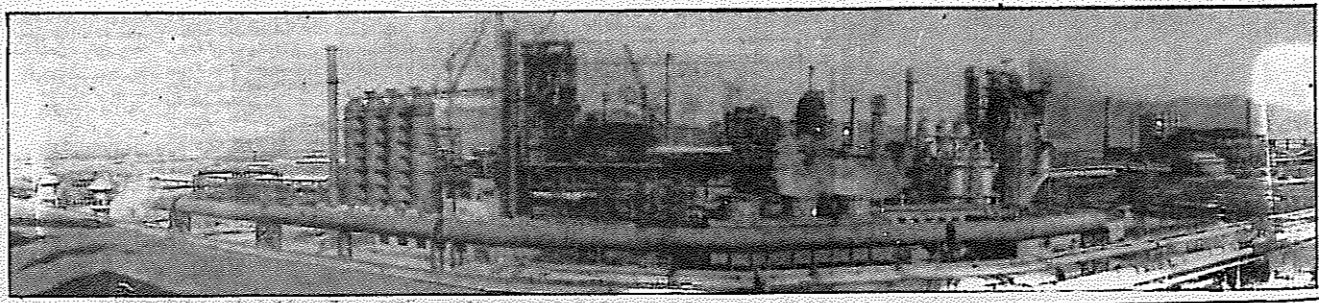
رژیم جمهوری اسلامی با توجه به تاثیری که اعتراض و اعصاب کارکنان ذوب آهن می توانست بر کل جنبش کارگری و تولیدات صنعتی کشور برجای گذارد، با دقت ویژه ای

سعی داشت شرایط خفقان آمیز ایجاد شده را حفظ کند. حتی در لایحه شوراها که از سوی دولت تهیه و توسط مجلس تصویب شد، قید گردید که کارگران تاسیسات ذوب آهن (مانند صنایع نفت) حتی از داشتن این شوراها بی فرمایشی نیز - تا زمانی که دولت صلاحیت بداند - ممنوع هستند. این تصمیم، خود به تنهایی هراس عظیم رژیم را از کارگران ذوب آهن بازتاب می دهد.

تعاونی کردن، خواب تازه رژیم برای تاسیسات ذوب آهن

سردمداران حکومت علاوه بر اقداماتی که برای منهدم کردن این صنایع مستقل و پایبندی انجام دادند، از مدتی قبل به بررسی طرحی پرداختند که طبق آن کارخانه به شکل "تعاونی" باید اداره و سازماندهی شود. پشت نسام تعاونی، این نیست پنهان شده بود که کارخانه و همه تاسیسات آن هر یک به واحد های کوچکی تقسیم و تله پاره شود. آن واحدهایی که در مرحله سود دهی هستند به بخش خصوصی واگذار شده و دیگر واحدها، هر یک بتنهایی بر اساس قرار دادی با هیئت مدیره، به تولید ادامه دهند.

اجرای این طرح، ضربه کمر شکنی برای ادامه تولید در این صنعت خواهد بود. ایجاد هماهنگی میان واحدهای عملاً غیر ممکن می شود. بنا به ضوابط رژیم جمهوری اسلامی در کار بخش خصوصی نمی توان دخالت کرد و آنها را به پذیرش برنامه معینی واداشت. این روش قبلاً در مواردی تجربه شده بود. فی المثل منگنز مورد نیاز برای کوره بلند را از گذشته، یعنی از صاحبان معادن منگنز (رباط کریم) به ذوب آهن می فروختند. چندی پیش این سرمایه دار بزرگ فوت کرد. بر اثر اینها مالک حقوقی سر نحوه تقسیم میراث، مالیت این معدن منگنز نامشخص ماند. به دنبال آن استخراج منگنز این معدن متوقف شد و طبقاً ذوب آهن از دریافت آن محروم گردید. فقدان منگنز از جمله عواملی بود که به از کار بازماندن کوره بلند انجامید که خسارات سرسام آوری در پی داشت. ولی با وجود این، مقامات حاضر نشدند اجازه دهند که ذوب آهن راساً و موقتاً با حفظ حقوق مالک، معدن منگنز را در حد تأمین نیازهایش بهره برداری کند. به اعتقاد مقامات بقیه در صفحه ۸



در حاشیه



آخر و عاقبت شعار "مرگ بر آمریکا"

حاکم شرع دادگاه ویژه امور صنفی:
" فردی که در تهران کارخانه پلاستیک سازی داشت مواد اولیه را با ارز دولتی به شرط آن که آن را در کارخانه خود استفاده کند از خارج وارد می کرد. ولی نامبرده قسمت اعظم مواد را قبل از ترخیص توسط چند دلال و با همیاری بخش ترخیص کالا آن را به جای هر کیلو ۱۵۰ ریال، بین ۸۵۰ تا ۱۲۰۰ ریال در بازار آزاد می فروخت. به طوریکه طی نه ماه شخص مذکور از این طریق ۸۵۰ میلیون ریال گرانفروشی کرد. متهم مدعی شده است هدف از این کار راه اندازی کارخانجاتی بوده است که به مواد اولیه احتیاج داشتند به عبارت دیگر جهت تحقق شعار مرگ بر آمریکا بوده است. "

(اطلاعات - ۲۹ آبان)

از آینده بترسید!

یک نماینده مجلس:
" آنانکه زبان تشکر و قلم شکایت ندارند پارتی و پول ندارند، راه دوز و کلک را بلد نیستند، به حقشان نمی رسند و گاه مایوس می شوند. من هشدار می دهم. که اگر این وضع ادامه یابد و حالت یاس بر مردم حاکم

شود، عواقب آن را خود بدانید و نیازی به شرح آن نیست."
(اطلاعات - ۳۰ آبان)
نحوه رسیدگی به مشکلات مردم
یک نماینده مجلس:

" آنچه که مورد توجه قرار نمی گیرد همین مردم است. چون هرگاه مردم اظهار درد می کنند، هر کسی که از مراکز برای تحقیق و بررسی می رود، فقط با میهمان شدن نزدیکی و نفع قضیه لو ش شده و از بین می رود. آیا کسی را سراغ دارید که در این گونه موارد به میان مردم برود و از آنها نظر خواهی کند؟ چه بسا شکایت مردم از خود آن مسئول میهماندار است که او را نالایق و تحمیلی می دانند. چگونه می شود او گزارشگر باشد؟"
(اطلاعات - ۲۸ آبان)

معنی و مفهوم تعاونی

آذری قمی:
" اصولاً تعاونی که در قانون اساسی پیش بینی شده، مبتنی بر شرکت افراد متعدد نیست، بلکه تعاونی بین سرمایه و ابزار کار از یک طرف، دولت و مردم، و صاحبان صاحبان نیروی کار و فاقد سرمایه و ابزار لازم از طرف دیگر است، مگر چه یک نفر باشد. "

(اطلاعات - ۵ آذر)

فیلمهای سینمایی تلویزیون جمهوری اسلامی

حجت الاسلام دعاگو سخنگوی سازمان رادیو و تلویزیون:
" در هیچ کجای دنیا انقلاب اسلامی صورت نگرفته جز ایران. فرهنگ جامعه مسأله

در هیچ جامعه دیگر وجود ندارد و طبیعتاً هیچ کشوری نمی تواند برای ما تولید فیلم و سریال کند. ما در بین صدها و هزارها فیلمی که در خارج تهیه می شود، تنها تعداد مشخصی را که ایرادهای کمتری دارند، انتخاب می کنیم و آن تعدادی را هم که انتخاب می کنیم، قسمت هایی را حذف می کنیم و هم در محتوا و هم در خود فیلم تغییراتی بوجود می آوریم و نهایتاً آنچه عرضه می شود نه فیلم خارجی است و نه چیزی است که طبع مردم ما آن را بپسندد و باز هم بدون اشکال نیست."
(کیهان - ۳۰ آبان)

هنر یعنی عزاداری

خبرنگار روزنامه اطلاعات:
" چه نوع هنری اسلامی است و ایمن نوع هنر تا کجا می تواند رشد کند، عرضه شود و مورد حمایت قرار گیرد؟ اصولاً شما چه تعریفی از هنر اسلامی دارید؟"
حجت الاسلام انزلی رئیس کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی در مجلس:
" اسلام، هنرهایی را که تصویب کرده و مورد قبول آن می باشد، همان هنرهایی است که سابق معمول بود و فعلاً هم وجود دارد... مثل عزاداری و تعزیه داری. اینها هنرهای اسلامی است و کارهای دیگر در مراحل دیگر هم می تواند با این هنر پیشرفت بکند... بحمد الله بعد از انقلاب اسلامی، هنر اسلامی دارد پیشرفت می کند."
(اطلاعات - ۱۴ آبان)

مطالباتی بود که اعتصاب بزرگ و شکوهمند این ماه شکل گرفت که فزونی در جنبش اعتراضی کارگران این واحد و در جنبش کارگری ایران به حساب می آید. هیچگاه پس از اعتصابهای سال ۵۷ تا کنون، ذوب آهن اصفهان شاهد اعتصابی این همه گسترده و اینگونه یکپارچه نبوده است. این اعتصاب از نظر کثرت اعتصابگران در راس اعتصابات کارگری سالیان اخیر ایران جای دارد. بنا به اخبار واصله، جنبش کارگری ایران در همه مناطق و موسسات صنعتی، اخبار این اعتصاب بزرگ را تعقیب کرده و به اشکال مختلف همبستگی خود را ابراز می کنند. در اصفهان، کارگران فولاد مبارکه و پالایشگاه اصفهان وسیعاً از رفقای کارگر خود در ذوب آهن پشتیبانی کرده و همبستگی عمیق خود را ابراز داشته اند.
جدا از اینکه این اعتصاب چذونه پایمان یابد و به کدام یگان مطالبات دست یابد، پیشاپیش می توان حکم کرد که این عمل انقلابی کارگران ذوب آهن اصفهان، تأثیر بزرگی بر جنبش کارگری ایران بر جا خواهد گذاشت.

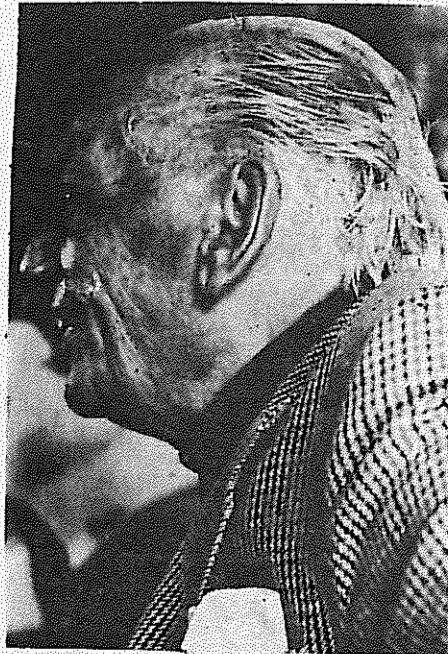
(و بر روی کاغذ، طرف مقابل هم) اگرخواستند، قرارداد تعدید نمی شود. درحقیقت این امر به معنی آنست که هر زمان مدیریت تصمیم بگیرد، می تواند کارگران و کارکنان را اخراج نماید بی آنکه هیچ تعهدی در برابر آنان داشته باشد.
بخش شدن خبر مبنی بر بررسی طرح " تعاونی " کردن ذوب آهن از جمله عواملی بود که نگرانی در میان کارکنان را دامن زد.

اعتصاب بزرگ

در همه این مدت، هراز چندگاه کارکنان بخشهایی از کارخانه و موسسات وابسته، به حرکات اعتراضی دست می زدند. با وجود همه آن تمهیدات رژیم کمتر زمانی بود که درگوشه ای از این تأسیسات عظیم، حرکتی اعتراضی وجود نداشته باشد. اعتصاب تأسیسات امسال در فولاد شهر و سرکوب خونین آن توسط پاسداران، نمونه ای از آن است. اعتصاب کارمندان دفتری کارخانه که چندی پیش از اعتصاب اخیر آغاز شده بود نمونه دیگری از آن است.
بر چنین زمینه و انگیزه ای و با چنان

اعتصاب...
بقیه از صفحه ۷
دلیلی صورت " حقوق ایام " (همان ورشیه سرمایه دار بزرگ) ضایع می شود. معدن منگنز با وجود نیاز مردم ذوب آهن، تا به امروز بلا استفاده مانده است.
در صورت " تعاونی " کردن ذوب آهن چه تضمینی وجود دارد که سرمایه داران برنامه های تعیین شده از سوی دولت را بپذیرند. در یک کلام فاجعه ذوب آهن خوانده می شود کارگران و دیگر کارکنان و حتی کسانی از میان مدیران، سرسختانه با این طرح مخرب و ارتجاعی مخالف هستند.
پیش از این چنین سیاستی در کارخانه نورد اهواز تجربه شده بود. در آنجا هم به قصد درهم شکستن یکپارچگی کارگران، و تقسیم آنها به واحد های جدا از یکدیگر (وحتی در رقابت یا یکدیگر) کارخانه را تعاونی کرده بودند. هر واحد لفظاً بخش مستقل و صاحب هویتی بحساب می آید که با سرپرستی کارخانه قرار دانی برای مدت معین و محدودی می بندد. در پایان این مدت، سرپرستی

فیض احمد فیض، بزرگترین شاعر اردو زبان معاصر، درگذشت



سه هفته پیش در روز ۲۰ نوامبر قلمب فیض احمد فیض بزرگترین شاعر اردو زبان معاصر، که عمری مالا مال از عشق به زحمتکش و بهروزی بشریت بود، در شهر لاهور از تپیدن باز ایستاد. فیض احمد فیض در ۱۳ فوریه ۱۹۱۱ در کالای قدیم تولد یافت، در جوانی به خدمت در ارتش پرداخت ولی چندی نیاثید که به روزنامه نگاری رو آورد و این حرفه را تا پایان عمر پی گرفت. وی در رابطه با جنبش انقلابی افسران ارتش در ۱۳ مارس ۱۹۵۱ دستگیر شد و ۴ سال در اسارت بسر برد. او در آن هنگام دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان بود و در ارتش درجه سرهنگی داشت. بعد از رهایی از زندان در سمت سردبیر روزنامه پاکستان تایمز به مبارزات خود ادامه داد و تا زمان حکومت نظامی در سال ۱۹۵۸ این مسئولیت را عهده دار بسود.

احمد فیض در سال ۱۹۶۲ مفتخر به دریافت جایزه لنین شد. در سال گذشته نیز برای دریافت جایزه نوبل در ادبیات در نظر گرفته شده بود.

اواز پایه گذاران انجمن نویسندگان مترقی پاکستان و نیز انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا بود. او تا آخر عمر ریاست این انجمن و نیز مسئولیت سردبیری نشریه آسیایی - آفریقایی لو تورا را عهده دار بود.

فیض احمد فیض چه به عنوان یک کلمو نیست و چه به عنوان یک فعال سندیکایی نقش بسزایی در جنبش کارگری پاکستان داشت. او قبل از استقلال پاکستان عضو فعال هیئات اجرایی اتحادیه های کارگری سراسری هندوستان بود و بعد از استقلال کشور خود در سمت معاونت فدراسیون اتحادیه های کارگری پاکستان به مبارزات خود در این عرصه ادامه داد.

تشییح جنازه فیض احمد فیض به پیشک تظاهرات بزرگ ضد دیکتاتوری بدل گشت. در هنگام به خاک سپاری او کارگران پاکستان با



صحنه ای از تظاهرات مردم در هنگام تشییح جنازه فیض احمد فیض

به دانشجو پیمان ایرانی (که در نبرد برای صلح و آزادی جان باختند)

کیانند اینان؟
این پخشایشگران که قطره قطره خونشان را در کام همیشه تشنه زمین می ریزند
همچون سکه هایی که جرنگ صدا می کنند
آن هنگام که در کشکول کدایی فرو می افتند
تا آن را سر ریز سازند.

کیانند اینان؟
ای ایران زمین
کیانند اینان
این ایثارگران جوان
که رگ و پوست سرشار از جوانیشان
- طبق میوه رسیده و زرین جان جوانشان
در خاک آرمیده است
لهیده
از هم دریده
در کنار خیابان

بر سنگفرش کوچی ها

آه سرزمین ایران! ایران زمین!

چگونه آن چشمان شوخ
در اشک نشستند
و یا قوت فشان گشتند؟
چگونه آن لبها خاموشی گرفتند
که به مرجان سرخ می مانستند؟
نقره مذا بدستانشان را کدامین کس
بر سندان سود خویش، سکه زد؟

ای غریبه پرسشگر
این نونهالان، این جوانان
مرواریدهای ناسفته صد خورشیدند
و غنچه های نورسته لهیب آتشی
که با پرتو گرم و زیانه های سرکشش
رسوخ می کند
در ظلمت شب یلدا ای ستارگان.

آتش طغیان کرد
روز برد مید
با روشنایی نافذ در تن و جان.

تشان از نقره بود و طلا
چهره شان از مرجان سرخ و یاقوت کیود
پر توافشانند

درخشیدند

پرتوافشانند.

بگذار آن غریبه پرسشگر پیش آید
بر آنان با چشمهای باز بنگرد
و دیر زمانی تماشایشان کند
آنان آیت الهیه صلحند
و گوهرهایی رخشنده

بر تارک زندگسی.

پلاکدهایی که بر آن جملاتی نظیر "بیاد فیض جاودانی است" و "درد های سرخ مانثار فیض" نوشته شده بود، راهپیمایی بزرگی ترتیب دادند که مقامات حکومت نظامی را سخت به وحشت افکند. همواره شخصیت های سیاسی تریخو خواه و چهره های برجسته اجتماعی پاکستان در این مراسم شرکت جستند. سفیر شوروی در پاکستان به نمایندگی از طرف مردم و دولت شوروی دسته گلی بر مزار او نهاد و در طی یک مصاحبه مطبوعاتی درگذشت او را به مثابه اندوهی بزرگ برای مردم شوروی توصیف کرد. یاسر عرفات در پیام تسلیت خود خاطر نشان ساخت که "با مرگ فیض، مردم فلسطین یک مدافع همیشگی خود را از دست دادند." درگذشت او برای مردم فلسطین و همه کسانی که در راه آزادی مبارزه می کنند، ضایعه دردناکی است. راجیو گاندی نخست وزیر هند و ستان و نیز رئیس جمهور هند در پیامهای تسلیت خود تا سقف عمیق خویش را نسبت به مرگ این بزرگترین چهره ادبی شبه قاره هند، به مردم پاکستان ابلاغ داشتند. فیض احمد فیض همواره با شور و اشتیاق مبارزات مردم ایران را پی می گرفت. او می گوید این مبارزات را از طریق اشعار و نوشته های خویش در میان مردم پاکستان بازتاب دهد. از جمله اشعاری که او در توصیف مبارزات مردم ایران سروده است شعری است با یاد شهدای حماسه شانزده آذر خطاب به دانشجویان ایرانی. ترجمه این شعر زیبا را از نظرانی می گذرانیم:

سی و نهمین سالگرد تأسیس "فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان"

مصاحبه "اکثريت" با ...

بقیه از صفحه اول

مبارزه با جنگ افروزی، مبارزه با تبعیض و نابرابریهای مختلف اجتماعی و از جمله تا برابری در زمینه حقوق زنان را به صورتی مشکل و سازمان یافته ادامه دهند. کنگره ای که به تشکیل "فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان" منجر گردید، در روز ۲۶ نوامبر ۱۹۴۵ در شهر پاریس آغاز به کار کرد. خانم "اوتنی کوتن" که رئیس کمیته تدارک برگزاری کنگره را بر عهده داشت و بعداً نیز به سمت ریاست فدراسیون برگزیده شد، در نطق افتتاحیه کنگره به حق برابری زنانه تأکید نمود که "این گرد همایی بسک واقعه تاریخی است".

طبق تصمیم کنگره در تاریخ اول دسامبر "فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان" اعلام موجودیت کرد. در همین کنگره برنامه و منشور کنفدراسیون که در برگزیده چهار هدف اصلی احقاق حقوق برابر با مردان برای زنان، رفاه و بهزیستی کودکان، صلح و استقلال ملی است، تصویب رسید.

فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان مسأله زنان را یک مسأله مهم اجتماعی دانسته و همواره بر این واقعیت که مبارزه علیه تبعیض بین زن و مرد جز پر اهمیت از مبارزه برای دموکراسی و عدالت اجتماعی است، تأکید و رزیده است. فدراسیون تا کنون نقش بسیار پر ارزشی را در ارتقای سطح آگاهی زنان جهان نسبت به حقوق خویش و متحد ساختن صفوف آنان برای بدست آوردن حقوقشان، ایفا کرده است.

"موقعیت زنان در جامعه" موضوع اصلی مطرح شده در ششمین کنگره کنفدراسیون بود. صدمات این کنگره سازمانهای مللی زنان همه کشورها را موظف ساخت تا به سازماندهی زنان کشورهای خود برای مبارزه بی وقفه در راه کسب حقوق برابر با مردان و ایجاد شرایط مساعد برای پیشرفت و تعالی زنان، بپردازند.

فدراسیون تا کنون تلاشهای زیادی در سازمان ملل، در دفاع از حقوق زنان کشورهای مختلف نموده و موفق به تصویب اسناد مهمی در ارتباط با تأمین حقوق زنان از طرف مجمع عمومی سازمان ملل شده است. در زمینه جلب افکار عمومی جهانیان نسبت به موقعیت زنان نیز فدراسیون تلاشهای برجسته ای انجام داده است. از جمله به ابتکار همین فدراسیون بود که سال ۱۹۷۵ از جانب سازمان ملل به عنوان "سال جهانی زن" انتخاب شد.

فدراسیون بین المللی زنان همواره اهمیت زیادی برای همکاری خود با "فدراسیون سندیکای جهانی" قائل است. فدراسیون اتحاد مبارزاتی جنبش کارگری و جنبش زنان را ضامن موفقیت در امر مبارزه برای نیل به برابری حقوق زنان با مردان، از بین بردن ستمهایی که بر زنان روا داشته می شود و تأمین شرایط لازم برای رشد و پیشرفت زنان در کلیه شئون زندگی، می داند. فدراسیون همواره بر ضرورت اتحاد عمل کلیه نیروهای ترقیخواه در راه مبارزه برای ایجاد شرایطی که زنان بتوانند به عنوان مادر، به عنوان شهروند و به عنوان کارگر در کلیه عرصه ها پیشرفت نمایند، تأکید بسیار داشته است.

از بیانیه کنگره ۱۹۶۳ فدراسیون خطاب به زنان سراسر جهان:

"ما از شما دعوت می کنیم تا بدون وا همه از مشکلات و قربانیانی که بایست در راه احقاق حقوق زن متحمل شد، به تلاش خستگی ناپذیر دست بزنید. باید در تمام عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی مبارزه کنیم تا در کشورهایمان و در سراسر کره زمین، زندگی سعادت مند و برای بشریت سازیم. تا نسل جوان، امکان پیشرفت یابد و اندیشه سترگ صلح، دوستی بین ملل و ترقی اجتماعی، سراسر وجود او را سرشار سازد. ..."

زنان!

ما هستیم که زندگی می بخشیم - پس با بد از آن دفاع کنیم! اگر اراده کنیم زندگی پیر و خواهد شد.

حمايت از کودکان، بهبود وضعیت زیستی و تربیتی آنان، تأمین امنیت و آسودگی صلح آمیز و سعادت تمدن برای آنان، اهدافی هستند که فدراسیون از اولین روز موجودیت خود برای دستیابی به آنها، تلاش و رزیده است.

"فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان" در طول حیات پر شرف خویش، نقش ارزنده ای را در افشای توطئه های جنگ افروزان امپریالیستها و بسیج نیروهای صلح دوست بویژه زنان در مبارزه بسری جلوگیری از یک جنگ جهانی دیگر و جلوگیری از رشد تولید سلاحهای اتی ایفا کرده است. تلاش این فدراسیون در این عرصه، آنرا به صورت یکی از برجسته ترین نیروهای بسیج گر در جنبش صلح در آورده است.

بقیه از صفحه ۵

منطقه خلیج و در سراسر خاورمیانه قرار می گیرد. من نگران آن هستم که دولت رینگان در آینده سعی خواهد کرد تلاشهای تازه ای را برای ایجاد این توهم، که نقش مثبتی در خاورمیانه

ایفا می کند، آغاز نماید. ایمن کار اتحاد و دی از طریق احیای طرح رینگان انجام خواهد شد، که چیزی بیش از یک توطئه برای آنکه حقوق خلق فلسطین نادیده گرفته شده و منطقه مدیترانه به حوزه نفوذ آمریکا از طریق دولت دست نشانده و وابسته مبدل شود، نیست. کابینه رینگان نیز نظیر دولت کارتر، کاملاً به دنبال طرحها و توطئه های امپریالیستی و صهیونیستی در منطقه است. همانطور که قبلاً اشاره کردم، این واقعیت که، دولت رینگان گستاخ تر و مآخراجو تر تجار و کارتر نظامی گراتر است، خطرمداخله ایالات متحده و آمریکا در آن منطقه افزایش داده و نتیجتاً، خطر بروز جنگ در منطقه افزایش خواهد یافت. ما تنها زمانی شاهد تغییر سیاست ایالات متحده در خاورمیانه خواهیم بود که هیات حاکمه آمریکا بپذیرد که ایالات متحده نیروی غالب در منطقه نبوده و نمی تواند در تحولات این ناحیه از جهان نقش تعیین کننده ایفا کند. این امر به این بستگی دارد که دولت ایالات متحده بپذیرد که نمی توان فلسطینیها را از معادله خارج کرد. از طرف دیگر، خاورمیانه و منطقه خلیج به اتحاد شوروی بسیار نزدیک است تا به ایالات متحده. از اینرو حل مسایلی آن

حمايت از جنبشهای استقلال طلبانه کشورهای آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین و توجه به مشکلات خاص زنان این کشورها، بخش مهم دیگری از مبارزات "فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان" را تشکیل می دهد. کمپانی مادی و معنوی ارزنده در همبستگی با مبارزات خلق ویتنام، حمایتهای بی دریغ از مبارزات مردم لائوس، تائیموچیا، کره، فلسطین و شیلی جلوه های بارزی از تلاش فدراسیون در این زمینه است.

"فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان" توجه خاصی به وضع زنان ایران، دارد. آرمانها و اهداف این فدراسیون بویژه از طریق تشکیلات دموکراتیک زنان ایران در جامعه ما بازگو شده و انعکاس یافته است. اطلاعاتی های مختلف فدراسیون در رابطه با زنان ایران و صائینی که از حاکمیت جمهوری اسلامی ناشی می شود، نشانگر همبستگی زنان سر تا سر جهان با مردم میهن ما بویژه زنان ایران است. این همبستگی جهانی پشتوانه معنوی عظیمی برای مبارزه زنان کشور ما با پیش، دیدگاهها و قوانین تحلیلی قسرون وسطائی رژیم جمهوری اسلامی در زمینه حقوق زنان است.

رویدادهای
جهانگردهمایی وزرای خارجه
کشورهای پیمان ورشو

در برلن، پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان، وزرای خارجه کشورهای عضو پیمان ورشو تشکیل جلسه دادند. در این اجلاس، وزرای خارجه پیشنهاد نمودند به انباشت سلاحهای هسته ای در اروپا پایان داده شود و هر چه زودتر کاهش این سلاحها آغاز گردد. تساهد فاعاری شدن اروپا از سلاحهای هسته ای تحقق یابد. همچنین اعلام شد که کشورهای پیمان ورشو، خواهان انعقاد هرچه زودتر موافقتنامه ای درباره کاهش نفقات و تجهیزات نظامی در اروپا هستند. گردهمایی برلن موکدا خواستار آن گردید که به پیشنهادهای متعدد و مشخص کشورهای سوسیالیستی برای کاهش خطر بروز جنگ اتمی و چرخش از سابقه تسلیحاتی به خلع سلاح، پاسخ داده شود.

از سوی دیگر، در بروکسل وزرای دفاع " ناتو " گرد هم آمدند. در این اجلاس اعلام شد ناتو قصد دارد به استقرار سلاحهای ضربه اول ادامه دهد.

جلسه مشاوره ۸۹

حزب کمونیست و کارگری در پراگ

در پراگ، گرد همایی نمایندگان ۸۹ حزب کمونیست و کارگری برای مشورت پیرامون فعالیت نشریه " مسایل صلح و سوسیالیسم " گشایش یافت. این، نخستین اجلاس احزاب برادر در این رابطه از سال ۱۹۸۱ بدین سو است.

طی یک گزارش مفصل، مسئولین نشریه بیان کار آن و چشم اندازهای فعالیت آینده نشریه سیاسی - شوریک احزاب برادر را مورد بررسی قرار دادند.

نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری ضمن شرکت در مباحثات این اجلاس، بر اهمیت فزاینده نشریه و لزوم گسترش مسایل مورد بررسی تا کید ورزیدند.

بسیاری از شرکت کنندگان در گرد همایی پراگ، به اهمیت اصولی همکاری و همفکری احزاب کمونیست جهان اشاره کرده و خواهان گسترش همکاریهای دو جانبه و منطقه ای احزاب و نیز تشکیل جلسه مشاوره جدید احزاب برادر جهان شدند.

رهبر حزب کمونیست شیلی:

مهمترین وظیفه،

وحدت اپوزیسیون است

لوئیس کوروالان، دبیرکل حزب کمونیست شیلی طی مصاحبهای پیرامون سرنگونی پینوشکنت، این امر بطور اجتناب ناپذیر و به شکل کم و بیش

منطقه تنها از طریق صلح آمیز و با شرکت نیروهای درگیر ممکن خواهد بود، که این، اتحاد شوروی، و طبیعتاً فلسطینی هار نیز با حقوق برابر یاد یگران در برخواهد گرفت. تا زمانی که حقوق ملی خلق فلسطین تضمین نشود، عساور میانه شاهد صلح عادلانه و پایدار نخواهد بود. همانطور که قبلاً اشاره کردم، صرف نظر از آنکه عواقب این سیاستها چه باشد، این دولت ادامه دهنده همان خط مشی پیشین درخا و رمیانسه خواهد بود. این سیاست، در خدمت تأمین سلطه مستعرومداوم امپریالیسم در منطقه، و در جهت حمایت از صهیونیسم می باشد.

● س: سفر طارق عزیز و زبیرامو خارجه عراق به واشنگتن، جهت برقراری دوباره مناسبات دیپلماتیک بین ایالات متحده و عراق، را چگونه می بینید؟

ج: ممکن است زود باشد که بتوان در مورد این مساله اظهار نظر کرد. در نخست من این بود که برقراری مناسبات نزدیکتر میان عراق و ایالات متحده، بیشتر به اتفاقاتی که در اردن، مصر، سرخ می دهد، مربوط می شود. این نگرانی وجود دارد که تحولات منطقه، به شکل گیری یک گروه بندی متشکل از رژیمهای عرب هوادار امپریالیسم منجر شود که بنا به ماهیت خود، مانع پیشرفت و استقلال ورهایی ملی در منطقه خواهد بود، و این یک خطر جدی است. در مورد تأثیر این سفر بر جنگ ایران و عراق باید گفت که برقراری دوباره مناسبات دیپلماتیک ما بین ایالات متحده و عراق می تواند دلیلی برای نگرانی باشد، چرا که جنگ باید خاتمه یابد. این جنگ اصلاً نباید شروع می شد و هر عاملی که به ادامه جنگ کمک کند و یا آنرا تشویق کند، که با احتمال زیاد در واشنگتن نیز طرفین در این باره صحبت خواهند کرد، در جهت منافع مردم منطقه و خلیج نخواهد بود.

● س: برای کمونیستهای ایران چه پیامی دارید؟

ج: من فکرمی کنم اکثر ما که در این کشور تحولات ایران را در رساله های اخیر دنبال کرده ایم، کمونیستهای ایران را در مقام خاصی قرار می دهیم: در دهی کمونیستهای آفریقای جنوبی و کمونیستهای اروگوئه، مبارزینی که برای مدت طولانی با پایداری و استواری بر اصول اعتقادی خود پای فشرده اند. و درد شوارترین شرایط، حداعلای و فاداری به انترناسیونالیسم پرولتری راه بیوت رسانده اند. من فکرمی کنم می توانم از جانب حزب کمونیست ایالات متحده بگویم که ما بیشترین احترام را برای رفقای ایرانی قائل هستیم و برای آنها، برای طبقه کارگرایان، و برای مردم ایران موفقیت روزافزون آرزوی کنیم.

من همچنین باید اضافه کنم که ما از سطح نوین وحدت میان کمونیستهای ایران استقبال کرده و آنرا ترغیب می کنیم، و اطمینان داریم که وحدت حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در جهت منافع مردم ایران و جنبش کارگری و کمونیستی جهانی است.

قهر آمیز، بسته به آنکه رفتار نیروهای مسلح به مثابه تکیه گاه اصلی دیکتاتور چگونه باشد، انجام خواهد گرفت. سرنگونی دیکتاتوری، در هر حال شمره مبارزه خلق و عمل مشترک نیروهای اپوزیسیون خواهد بود. " کور والان افزود: " مهم ترین و مهمترین وظیفه، اتحاد اپوزیسیون در مبارزه و اتخاذ موضع روشن و اجتناب از تک روی است. همه مسایل دیگر... بسته به همین امر است. مسئله این است که در مورد آنچه که در عرصه های گوناگون حیات اجتماعی باید انجام گیرد، توافق حاصل شود."

رهبر حزب کمونیست شیلی در پاسخ به پرسشی در مورد ادعاهای نیروهای راست مینی بر اینکه کمونیستها می خواهند پس از سرنگونی دیکتاتوری راست، دیکتاتوری چپ را برقرار کنند، و از این رواج دادن تضمین برای آینده سرساز می زنند، گفت:

" آنچه مربوط به " تضمین " است، این ما نیستیم که باید تضمین بدیم، بلکه باید تضمین بگیریم. ما از هنگام بنیانگذاری حزب خود و در تمام طول حیات آن پیگیرانه برای دمکراسی مبارزه کرده ایم. اما در عوض، تقریباً همه احزاب دیگر، درگیر ماجراجویی های ضد دمکراتیک شده و یا هزار چندی، حکومتهایی همکاری کرده اند که طبقه کارگر کمونیستها را بیرحمانه سرکوب نموده اند."

حاصل سودجویی شرکت آمریکایی:

۲۰۰۰ کشته و ۲۰۰۰ مسموم و معلول

حادثه انفجار در کارخانه متعلق به شرکت آمریکایی " یونیون کارباید " در شهر بوپال هندوستان که مواد شیمیایی خطرناک تولید می کرد، به کشته شدن ۲ هزار تن و آسیب دیدن ۲۰ هزار نفر از مردم این شهر انجامید.

این واقعه بدین ترتیب اتفاق افتاد که از مخزن های بزرگ حاوی ماده سمی " متیل ایزوسیانات " به علت فشار زیاد داخل مخزن ها، این گاز خطرناک به بیرون نفوذ کرد. کارشناسان معتقدند در صورت وجود مخزن های ذخیره، که می توانست بالا بودن فشار را جبران کند، فاجعه به وقوع نمی پیوست.

بدین ترتیب ۲ هزار تن از مردم بیگناه بوپال که جان خود را از دست دادند، ۲۰ هزار نفر که دچار خفگی شدید، کوری موقت یا دائم و سایر اشکال مسمومیت شدند، و احياناً هزاران کودک ناقص العصبی که در آینده بدنيا خواهند آمد، قربانی سودجویی شرکت آمریکایی " یونیون کارباید " گشته اند. در هندوستان، موجی از خشم و انزجار نسبت به بی اعتنائی مسئولین شرکت آمریکایی مزبور به جان کارگران و مردم، افکار عمومی را فرا گرفته است. مدیر عامل شرکت " یونیون کارباید " که وارد بوپال شده بود، توسط مقامات هندوستان بازداشت شد.



فقدان وسائل ایمنی در کارخانه‌ها

در موسسات صنعتی کشور ما، کارگران رایبه کارباد ستگا همایی وامی دارند که از حد اقلل وسایل ایمنی برخوردار نیستند. به همین علت هرروزه در کارخانه های کشور، کارگران بسیاری قربانی سودجویی کارفرماها و مدیران دولتی می شوند. برای مطالبات کارگران در ترمایمن وسایل ایمنی کوششهایی نیست.

یک گزارش از کارخانه پارچه بافی چیتتری حاکی است که دست یک استادکار زیر دستگاه غلطک، پشم رسی رفته و له می شود. غلطک به کلی فاقد حفاظ بود. همکاران او با زحمات بسیار موفق شدند، با کمک دیلم دست له شده را از زیر غلطک بیرون بکشند.

در همین کارخانه کارگران قسمت برق بدون کفش ایمنی به کار واداشته می شدند. کاردرچنین شرایطی، در هر لحظه احتمال مرگ را به دنبال دارد. اما با وجود این مدیران به تقاضاهای مکرر کارگران این قسمت برای دریافت کفش ایمنی توجهی نمی کردند. تنها همین چند پیش بود که کارگران یاد و ندکی های بسیار توانستند مسئولین را وادار کنند، کفش ایمنی در اختیار کارگران این قسمت بگذارند.

در یکی از سالنهای این کارخانه دستگاه تهویه ای که از سابق وجود داشت خراب شده و از کار افتاد. بدون دستگاه تهویه، کار در سالن با فندگی عذاب آوری و به شدت خطرناک است. اما با وجود این مسئولین خم به ابرو نیاروندند. اعتراضات مکرر کارگران و تکنیسین های این سالن به هیچ نتیجه ای نیا نجامید. آنها طی نامه ای که امضا همه کارکنان این سالن رایبه همراه داشت کتابه این وضعیت اعتراض کرده و خواستار تعمیر دستگاه تهویه شدند. پاسخ مسئولین این بود که دستگاه تهویه تازه ای از خارج کشور خریداری شده و در رند راست کسه هنوز ترخیص نشده و تا آن زمان باید صبر کنید. کار در محیط آلوده سازن با فندگی به شدت به کارگران آسیب رسانده و تعداد زیادی را بیمار کرده است.

در انزجار از پلیستی نظام

فرزند کارگری از کارخانه هوندا (واقع در شهر صنعتی البرز) بیمار گردید. این کارگر توان تهیه هزینه درمان فرزندش را که در شرف مرگ بود، نداشت. همه تلاشهای او برای

تامین هزینه درمان به جایی نرسید. او به مسئولین کارخانه مراجعه و تقاضا کرد که وامی در اختیارش بگذارند تا جان فرزندش را نجات دهد. مسئولین وقتی نگذاشته و از پرداخت وام خودداری نمودند. کودک بیچاره برابر نگاه دردمند پدرش جان سپرد.

این کارگر پس از رفتن فرزندش به سرکار در کارخانه بازگشت و همان روز در نماز جماعت اجباری کارخانه شرکت نمود. پس از نماز وقتی که پیش نماز قصد وعظه داشت، کارگر فرزند مرده خشمگین برخاست طی یک سخنرانی افشاگرانه، آنچه راکه می بایست در وصف پلیستی رژیم جمهوری اسلامی و پلیدی سردمداران آن بگوید، گفت. سخنان او را دیگر کارگران بسیار "تکبیر" مکرر تپید می کردند.

پس از برهم خوردن نماز جماعت و آغاز زکسار و پراکنده شدن کارگران، ماموران انتظامی، این کارگر را دستگیر و روانه زندان نمودند. کارگران کارخانه پس از اطلاع از این امر، دست از زکسار کشیدند و اعتصاب کردند. آنها آزادی ایمن کارگران را خواستار بودند. سپاه پاسداران بلافاصله نفرت خود را و او را در کارخانه کرد و با تهدید از کارگران خواست تا به تار با بگردند. در برابر ایستادگی کارگران، پاسدارها کارخانه را تحت محاصره درآورده و از ورود و خروج کارگران جلوگیری نمودند. تا مادامی که اعتصاب همه دیگر کارخانجات شهر صنعتی البرز برسد. به دنبال آن بر فشاریه کارگران اعتصابی افزودند با وجود این اعتصاب تا سه روز ادامه یافت و تنها پس از این مدت بود که سپاه توانست تولید را بر پذیره جریان اندازد.

راه ساده برای حل مشکل تولید!

مدیریت کارخانه ری، او و او که مدت هاست که بجای تولید باطری در این کارخانه، به وارد کننده باطری از خارج تبدیل شده است. از قبل سیاست های تاجر پسندانه رژیم، سود تجارت حتی از سود تولیدات مونتاژ هم بیشتر است. از این رو مدیریت او، او و او که به جای پذیرش دردسر! تولید به واردات روی آورده و از آلغان غربی باطری "وارتا" وارد کرده و به مشتری های تولیدات این کارخانه تحویل می دهد. با این سیاست، باطری های تولیدی ایمن کارخانه در انبارها روی هم انباشته شده و در حال فاسد شدن هستند. مدیریت انتصابی با درپیش گرفتن سیاست هایی از این دست، کارخانه را به لبه ورشکستگی کشانده است.

یک اشتباه ساده

آقای شکرریزیر در دانشگاه آزاد تهران

است. این شخص، حتی برای توضیح سیاستهای رژیم در مورد آموزش عالی و امکانات آموزشی این دانشگاه، به وزارت صنایع رفت. در آنجا سخنانی برای کارکنان این وزارتخانه ایراد کرد و به درستی سیاستهای آموزشی رژیم را توضیح داد. او از جمله گفت: "جراقتون اساسی تحصیل را برای همه رایگان اعلام کرده است؟ من فکرمی کنم آنها که آن موقع ایمن، قانون را تصویب کرده اند در اشتباه بوده اند و فکر امروز را نکرده بودند. دولت مگر چه قدر بوده دارد؟"

حتی یک فقره جبهه جنگ کمک نکرد

در صنایع هواپیمائی، مسئولین از کارکنان این واحد خواستند موافقت نمایند تا مبلغی از حقوق ماهانه شان بابت کمک به جبهه های جنگ کسر شود. واکنش کارگران یک بار دیگر نرفتشان از جنگ را بازتاب داد. مثلا از ۱۳۰۰ تن کارکنان یک قسمت این واحد، حتی یک نفر هم حاضر نشد به این خواسته کردن گذاشته و حتی مبلغ ناچیزی در ماه، به جبهه جنگ کمک نماید.

کمک های مالی رسیده

کمک مالی رفقای لندن برای نشریه کار ۱۵۰۰ پوند
رفقای توده ای و فدایی
در لیدز و منچستر (انگلستان) ۱۵۰۰ پوند
نوید کوچولواز مونترال (کانادا) ۲۰۰ دلار
هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را
رفقای فدایی در شمال تکزاس (آمریکا)
تأمین کردند

AKSARIYAT

NO.36

MONDAY DEC. 10, 84

Address آدرس
POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY
السا فدرال

P.O. BOX 101
LONDON N17 8YU
ENGLAND
انگلستان

P.O. BOX 66156
LOS ANGELES, CA 90066
USA
انالاب محده

C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY
ایتالیا

P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI 110003
INDIA
هندوسان

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم امریکا!